

موج نوی فرانسه

یک مکتب هنری

| میشل ماری |
| محمدرضا بیگانه دوست |

THE FRENCH NEW WAVE
An Artistic School

| Michel Marie |
| M. Yeganedoust |



| چاپ دوم |

ا موج نوی فرانسه: یک مکتب هنری |

ا میشل ماری |

ا ترجمهٔ محمدرضا یگانه دوست |

ا ویراستار: هدیه رهبری |

ا صفحه‌آرایی: آلا شوپز | نمونه‌خوان: شیرین افخمی، مهرداد اصیل |

ا مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش نصاعدیان |

ا مدیر تولید: مصطفی شریفی |

ا چاپ دوم | ۱۳۹۸ تهران | ۵۰۰ نسخه |

ا شابک: ۵-۷۱-۷۸۰۶-۶۰۰-۹۷۸ |

انتشر بیگل | Bidgol Publishing co. |

فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخر رازی | پلاک ۱۳۴۴ |
تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ | تلفن فروشگاه: ۶۶۹۶۳۶۱۷ |

ا همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است |

|bidgolphublishing.com|

| فهرست |

- ۹ مقدمه باز هم موج نوی فرانسه
- ۱۳ فصل یک شعاری ژورنالیستی و نسلی نو
- ۱۳ هفته‌نامه اکسپرس و کارزار «نو» شان
- ۱۶ از چشم انداز نشریات انتقادی سینما
- ۱۸ گردهمایی در لاناپول
- ۲۱ تاریخ تولد: فوریه - مارس ۱۹۵۹
- ۲۵ یک فرهنگستان جوان نسبتاً عبوس
- ۲۹ اوضاع سینمای فرانسه در ۱۹۵۸
- ۳۷ فصل دو مفهومی انتقادی
- ۳۷ مکتبی انتقادی
- ۴۳ بیانیهٔ الکساندر آستروک
- ۴۶ مقالهٔ هجوآمیز فرانسوا تروفو
- ۴۹ نظریه‌های اقتباس
- ۴۹ یک مورد نمونه: شیطان در جسم
- رویکردی متفاوت به اقتباس
- ۵۲ نسخهٔ الکساندر آستروک از «یک زندگی» مویاسان

۵۴	صفحه نخست نشریه آر‌تس
۵۵	خط‌مشی مؤلفان
۵۸	الگوی امریکایی
۶۱	موج نو: مکتبی هنری

۶۵ فصل سه شیوه تولید و توزیع

۶۵	مفهوم اقتصادی: فیلم‌های کم‌هزینه، افسانه یا واقعیت؟
۶۶	دو فیلم کم‌هزینه، خارج از نظام
۶۹	وضعیت اقتصادی مناسب
۷۰	سینمای یارانه‌ای
۷۳	نکوهش ابر-تولیدات پرهزینه
۷۴	فیلم‌های با هزینه شخصی
۸۰	سه تهیه‌کننده
۸۵	فیلم‌های کارگردان‌های «قدیم و جدید» در عرصه عمومی

۸۹ فصل چهار شیوه عمل فنی، زیبایی‌شناسی

۸۹	زیبایی‌شناسی موج نو
۹۲	کارگردان مؤلف
۹۷	فیلمنامه - نقشه‌کنش
۹۹	فنون اقتباس، پیوند با نوشته
۱۰۲	خروج از استودیوها و کشف مجدد فیلمبرداری در مکان واقعی
۱۰۷	فنون فیلمسازی
۱۱۵	مونتاز/تدوین
۱۱۸	صدای همزمان

۱۲۳ فصل پنج مضامین نو و چهره‌های نو: نقش‌ها و بازیگران

۱۲۴	ماریووداز و ساگانیسیم: از آستروک تا کاست تادونیول و الکرز
۱۲۸	جهان مؤلفان
۱۲۸	دانشجویان و دختران فروشنده کلود شابرول

- ۱۳۱ کودکی تروفو
 ۱۳۲ وجوه مختلف ژان لوک گدار
 ۱۳۵ نسل جدیدی از بازیگران
 ۱۳۹ گروه بنیان‌گذار سه نفره
 ۱۴۱ یکی از اوباش کشیش می‌شود
 ۱۴۵ آنتوان دوانل و اخلافتش
 ۱۴۶ بازیگران غیر حرفه‌ای، چهره‌های ناشناخته
 ۱۴۹ بازیگران زن موج نو
 ۱۴۹ برنادت لافون
 ۱۵۰ کارینا و گدار: همچون «مارلینه دیتربیش - فون اشتربنبرگ» موج نو
 ۱۵۳ ژان و خواهرانش

۱۵۷ فصل شش تأثیر جهانی موج نو و میراث آن برای سینمای امروز

- ۱۵۸ پیش‌گامان
 ۱۶۲ تأثیر موج نو بر سینمای جهان
 ۱۶۶ موج نو، آوانگارد و سینمای تجربی
 ۱۶۷ پیامدهای تاریخی جنبش: موج نو در حال حاضر
 ۱۷۰ جاودانگی فیلم‌های موج نو

۱۷۳ گاه‌شماری وقایع مهم سیاسی و فرهنگی، ۱۹۶۳-۱۹۵۶

- ۱۷۹ یادداشت‌ها
 ۱۸۵ کتابشناسی
 ۱۹۵ نمایه

مقدمه

| باز هم موج نوی فرانسه^۱ |

موج نو قطعاً یکی از مشهورترین جنبش‌ها در تاریخ سینماست. متخصصان بی‌وقفه با حسرت یا با سوءظن از آن سخن گفته‌اند. در همان آغاز، در ۱۹۵۹، شخصیت عمو در فیلم زازی در متروی لویی مال به ترافیک سنگین پاریس نگاه می‌کند و به طعنه فریاد می‌کشد، «این موج نوست»، اما واقعاً موج نو چیست؟

آیا موج نو غیر از محفل افسانه‌ای دوستان (گروه مشهوری از منتقدان-فیلمسازان کاپه دوسینما به رهبری فرانسوا تروفو، منتقد جوان تندرویی که در ستون خود در مجله آرژانس به معتبرترین و محترم‌ترین تولیدات سینمای فرانسه حمله و آن‌ها را تخریب کرده بود)، به لحاظ زیبایی‌شناختی هم از نوعی انسجام واقعی برخوردار بوده است؟ یا به سادگی نوسدن ناشی از به دوران رسیدن نسلی نو بود، پدیده‌ای که لاجرم هر بیست سال یک بار رخ می‌دهد؟ آیا موج نو با ستایش از تکنیک‌های آماتوری و بداهه‌سازی به جای بهره‌گیری از فیلمنامه‌ مشخص و مدون و در نتیجه استوار کردن کیفیت فیلم بر پایه درک تعداد اندکی از کارگردانان و منتقدان، تأثیر فاجعه‌باری نداشته است؟ آیا موجب گریز مخاطبان معمولی از سالن‌های سینما نشد؟ آیا حقیقت دارد که این فیلم‌ها درست در لحظه‌ای پدیدار شدند که منحنی تماشاچیان سینما به طرز سرسام‌آوری نزولی شد تا حدی که به نصف کاهش یافت؟

و سرانجام چرا اسطوره موج نو این همه سال از دهه ۱۹۶۰ تا کنون دوام آورده است؟ و چرا ژان لوک گدار سی سال پس از ساخت مثال اعلاّی موج نو، از نفس افتاده (۱۹۶۰)، در ۱۹۹۰ با حضور آلن دلون، ستاره محبوب مردمی، فیلمی با نام موج نو ساخت؟ تقریباً هر سال، به مناسبت یک جشنواره یا در جمع بندی سالیانه شاخه های تولید فیلم، نشریات می پرسند که آیا علائم موج نویی جدید در افق پدیدار شده است؟ هرگاه دو کارگردان جوان شواهدی از همفکری و هماهنگی از خود بروز دهند، عده ای در آن ها قابلیت تبدیل شدن به هسته اولیه گروهی را می بینند که در ادامه راه موج نوی اسطوره ای، و امروزه دور و گم، جنبش نوسازی مضمونی یا زیبایی شناختی جدیدی خواهند آفرید. طبیعتاً حرکت امواج با ریتم دریا تا ابد ادامه دارد، اما در سینمای فرانسه موج ۱۹۵۹ منحصر به فرد باقی ماند. این کتاب می کوشد با پاسخ دادن به پرسش هایی که در بالا مطرح شد، این یکه بودن را اثبات کند.

موج نو به واقع قربانی شهرتش است و هنوز هم به دشواری بتوان یک کتاب واحد در بیست سال گذشته را نام برد که این پدیده را به دقت تحلیل کرده باشد. (۱) کتاب موج نوی جیمز موناکو در سال ۱۹۷۶ سال هاست که تجدید چاپ نشده است و نیز بیشتر چکیده ای از نظریه مؤلف به شمار می آید تا پژوهشی تاریخی. ژان لوک دووین در ۱۹۸۳ کتابی تحت عنوان موج نو، ۲۵ سال بعد از تدوین نمود که در بردارنده برخی مشاهدات و تأملات بدیع بود، اما در نهایت از سطح پژوهشی بسیار محدود فراتر نرفت. (۲) خلاصه اینکه، اغلب دانشجویان تازه کار و عشاق سینما معتقدند که همه چیز را درباره این جنبش می دانند اما این معلومات معمولاً به چند منبع ثابت یا مروری بر چند رویداد در جزوه ای کوتاه محدود می شوند که همیشه هم از آزمون ارزیابی تاریخی سر بلند بیرون نمی آیند.

فرضیه من بدین شرح است: موج نوی فرانسه جنبشی یکپارچه بود که در مقطع زمانی خاصی به وجود آمد و مجموعه ای از عوامل همزمان در حوالی دهه ۱۹۵۰ خصوصاً در سال های ۱۹۵۹-۱۹۵۸ ظهور آن را میسر کرد. در سه فصل نخست به ذکر این عوامل متنوع خواهیم پرداخت و نیز تعریف نسبتاً دقیقی از

مفهوم مکتب^۱ در تاریخ سینما عرضه خواهیم کرد. موج نو پیش از هر چیز شعاری ژورنالیستی بود در پیوند با جنبش انتقادی «هیچکاکي - هاوکسی ها»^۲، آن گونه که منتقد و نظریه پرداز سینما آندره بازن، که خود یکی از بنیان گذاران کایه دوسینما بود، آن را نامیده بود. پژوهش من سهم ویژه ای به امور اقتصادی و فنی پیرامون ظهور این فیلم ها می دهد که در مقایسه با عوامل مضمونی و سبکی توجه کمتری به آن ها شده است. این قسم تمرکز پژوهشی مطابق با گرایش های اخیر در تاریخ سینماست که می کوشد امتیاز ویژه ای به سازوکارهای اقتصادی و فنی بخشد تا بدین ترتیب مشاهدات زیبایی شناختی کامل تری را بر بنیان شرایط مادی خلق آثار از جمله تولید و پخش فیلم ها، فرجام تجاری آن ها و بستر سیاسی و فرهنگی آن دوران فرانسه استوار سازد. گاه شماری رویدادهای سیاسی و فرهنگی عمده را در ضمیمه گنجانده ام تا در کسب دیدگاهی کلی از آن دوران یاری گر باشد. در این کتاب تحلیل جامعی از تک تک فیلم ها صورت نمی پذیرد، اما در عوض کوشش شده سنتزی فراگیر از یک جنبش بر اساس نقاط قوت و ضعف شناخته شده اش عرضه گردد. خوانندگان این کتاب بی تردید می توانند از دیدن یا دوباره دیدن فیلم های کلیدی ذکر شده در کتاب و نیز کنکاش در مطالعات انتقادی فیلم های خاص بهره مند گردند. به عنوان مثال، پژوهش های اخیر آن ژیلن، کارول لوبر، ژان لویی لوترات و خود من درباره ۴۰۰ ضربه (تروفو، ۱۹۵۹)، ژول و ژیم (تروفو، ۱۹۶۱)؛ هیروشیما عشق من (زنه، ۱۹۵۹) و تحقیر (گدار، ۱۹۶۳)، پژوهش میشل سوتا درباره پی پرو خله (گدار، ۱۹۶۵)؛ دادلی اندرو درباره از نفس افتاده؛ و بارتلمی آمنگوال درباره دستة جدا افتاده ها (گدار، ۱۹۶۴) همگی بسیار مفیدند. (۳) برای کسب دیدگاهی کلی تر از این دوران تاریخی خواننده می تواند از کتاب های ذیل بهره گیرد. در زبان فرانسه کتاب دهه پنجاه در سینمای فرانسه نوشته رنه پردال، متن دایرةالمعارفی سودمندی است که برای سینه فیل ها^۳ی امروزی می تواند جالب

1. school

2. Hitchcocko-Hawksians

۳. Cinéphilés؛ عشاق سینما، سینمادوستان

باشد. (۴) اما کتاب ترکیبی ژاک سیسلیه تحت عنوان سینمای فرانسه، جلد یک و دو، یا کتاب عصر مدرن سینمای فرانسه نوشته ژان میشل فرودون نیز به همان میزان مهم‌اند. (۵) در زبان انگلیسی منابع عمومی شامل این آثار می‌شود: کتاب جمهوری تصاویر نوشته آلن ویلیامز؛ سینمای ملی فرانسه نوشته سوزان هیوارد؛ و کتاب مرجع راهنمای سینمای فرانسه نوشته جنت وینسندو. (۶) بسیاری از این کتاب‌ها دوران پُرطراوتی از آزادی فرانسه پس از جنگ جهانی دوم تا موج نو و پس از آن را پوشش می‌دهند.

میشل ماری از افراد زیر به خاطر مطالعه دقیق متن و انتقادات الهام‌بخشان سپاسگزار است: ژاک اومونت، میشل شیون، کلر هنو، آماندین موله، فردریک مورو، کاترین شاپیرا، ماکسیم شاینفایگل، ژنوی سلیه و فرانسیس وانوی. او خصوصاً از صبر و بردباری فرانسوا ژوئل تشکر می‌کند. ریچارد نویپرت مرهون محبت میشل ماری است که فرصت ترجمه این کتاب را برایش فراهم آورده است. میشل معلم الهام‌بخش و فوق‌العاده‌ای نیز بوده است. کار کردن با جین فارگولی، سارا دانسی و گروه ویراستاران انتشارات بلکول نیز موجب مسرت بود. و سرانجام باید از کاترین م. جونز نام برد که نقشی کلیدی در تهیه نسخه انگلیسی «موج نوی فرانسه: یک مکتب هنری» داشته است. یاری مداوم و ارزشمند او ترجمه را غنا بخشید و روند آن را تصحیح و تسهیل و تسریع نمود. نام او به‌واقع باید به‌عنوان یکی از مترجمان دیگر کتاب قید شود.